تاریخ و تمدّن اسلامی
سال ۱۹، شماره ۴۴، پاییز ۱۴۰۲
صص ۲۹-۵۸ (مقاله پژوهشی)

Islamic History and Civilization
Vol.19, No.44, Fall 2023

«میدانِ» منبر در دوره مشروطه: مطالعه‌ای بر پایه نظریه «میدان» بوردیو[1]

صادق پاشائی
دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
شهربانو دلبری[2]
استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
محمود مهدوی دامغانی
دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

در فضای اجتماعی دوره مشروطه (اواخر عصر قاجار) منبرهای روحانیت به عنوان عامل انسجام‌بخش اجتماعی، دارای جایگاهی مهم و معتبر بودند. در این مقاله با بهره‌گیری از «نظریه میدان بوردیو» که تحلیل پدیده‌های مختلف اجتماعی را مقدور می‌سازد، جایگاه منبرِ وعظ و خطابه مورد واکاوی قرار گرفته و با تشریح مفاهیمی چون «میدان»، «سرمایه»، «منش» و «کنش» و عناصر تأثیرگذار بر فضای آن، مطالعه شده‌است. سؤال اصلی این است: با استفاده از نظریه میدان بوردیو، «منبر دینی» چه ویژگی‌ها، دستاوردها و بازخوردهایی در دوره مشروطه داشته‌است؟ براساس نظریه بوردیو می‌توان گفت که منبر، میدانی گسترده، با عادتواره‌های ویژه از باورهای مذهبی مردم، در بسیج توده‌ها، مطالبه مشروطیت و تأسیس مجلس بوده و توان‌مندی شایانی داشته‌است. همچنین بنابر یافته‌های این پژوهش، «میدان منبر» در این دوره از اهرم‌های سه‌گانه میدان (استقلال، قدرت و منازعه بر سرمایه) به‌طور نسبی برخوردار بوده و در بیشتر وقایع مشروطه حضور اثرآفرین داشته و البته از تقابل با برخی میدان‌ها نیز آسیب دیده‌است.

کلیدواژه‌ها: منبر، مشروطیت، نظریه میدان بوردیو.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۵
۲. رایانامه (مسؤول مکاتبات): tarikh_2003@yahoo.com

مقدمه

منبر به عنوان یک رسانه سنتی، حضوری پررنگ و مستقیم در جوامع اسلامی داشته و از قدیم تا امروز نیز ادامه دارد. در دوره قاجار منبر مهم‌ترین وسیله ارتباطی و چندوجهی آن عصر بوده که همه سطوح و طبقات اجتماعی به‌ویژه عوام مخاطب آن بودند، این خصیصه نگاه جامعه‌شناختی به آن را سهل‌تر و در عین حال ضروری می‌نماید. این مقاله درپی تحلیل جامعه‌شناسانه نقش و جایگاه منبر در تحولات دوره تاریخی قاجار است و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد: با استفاده از نظریه میدان بوردیو «منبر دینی» چه ویژگی‌ها، دستاوردها و بازخوردهایی در دوره مشروطه داشته‌است؟ این مقاله از منظر جامعه‌شناسی به «منبر و میدان آن» که زیرمجموعه میدان دین و مذهب قراردارد می‌پردازد. همچنین به رابطه میدان منبر با میدان قدرت، بررسی سرمایه در میدان، و تجزیه و تحلیل منش‌های عاملان (کنشگران) آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. نظریه میدان

نظریه «میدان»[۳] توسط پیر بوردیو، جامعه شناس معاصر فرانسوی (۱۹۳۰-۲۰۰۲م) ارائه گردید و کاربست آن امکان ورود به حوزه‌های علوم انسانی را با طرح تئوریک و تحلیل و واکاوی آن از منظر جامعه‌شناسی تسهیل کرده‌است. برخی محققان بوردیو را یک جامعه‌شناس تاریخی می‌دانند که هر پدیده اجتماعی را به‌مثابه یک پدیده تاریخی در نظر می‌گیرد و تحلیل می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۰). بوردیو اعتقاد دارد پژوهشگر امروزی باید جهانی‌سازی، شرایط اجتماعی، نمادین، اندیشه و رغبت‌ها را در وضعیت‌های تاریخی مطالعه و بررسی کند تا بتواند برای سوال‌ها پاسخ مناسب بیابد (شایان مهر، ۱۳۹۸: ۲۲). براساس تئوری بوردیو که از جامعیت قابل قبولی برخوردار است، حوزه اجتماعی به میدان‌هایی خردتر نظیر میدان قدرت، آموزش، اقتصاد و... تقسیم می‌شود که در هر یک از

3. Field Theory

آن‌ها، هنجارها و روابطی حاکم است. او با تعریف واژگانی چون «میدان»، «منش»، «سرمایه» و ارتباط کنشگران با جامعه، روشن ساخته که هر میدان، دارای چه ویژگی‌ها و توانایی‌هایی درونی و اجتماعی خواهد بود. اشراف به مبانی فکری و نظری این نظریه، امکان کاربست آن در حوزه‌های مختلف نظیر تاریخ و رسانه را ممکن می‌سازد، مثلا بوردیو پدیده عکاسی در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی در جوامع روستایی و شهری را مورد تحلیل جامعه‌شناسی قرارمی‌دهد و نتایجی را استنباط می‌کند (شایان مهر، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۹). بوردیو ضمن اعتقاد به تفاوت‌های ذاتی بین رشته تاریخ و جامعه شناسی، تئوری خود را در زمینه میدان و عادتواره برای شناخت پدیده‌های تاریخی دارای کاربرد می‌داند، زیرا او در بستر تاریخ هم انگیزه‌های افراد را برای اعمال آن‌ها کافی نمی‌بیند بلکه نظامی از خلق و خوها را در سطح مرکزی قائل است که بالقوه‌ها را در یک وضعیت آشکار می‌کند و می‌گوید: «این مفهوم برای یادآوری این‌که عاملین تاریخ، محصول تاریخ فردی و آموزش در یک محیط هستند مهم است، آن‌ها محصول تاریخ جمعی هستند و به‌طور خاص، مقولات فکری، مقولات فهم، الگوهای درک، نظام‌های ارزشی آن‌ها و غیره محصول درهم تنیدگی ساختارهای اجتماعی هستند» (بوردیو، ۱۳۹۸: ۷٦-۷۷). «منبر» بنا به ماهیت خود، متأثر از میدان‌های گوناگون است و این پژوهش تلاش کرده بر اساس نظریه «میدان» بوردیو، طرحی برای صورت‌بندی «میدانِ منبر در دوره مشروطه» ارائه و خصایص و چالش‌های پیش روی میدان را نقد کند.

یکی از واژگانی که در تئوری بوردیو مطرح می‌شود، «سرمایه»[4] است. سرمایه به مجموع آن‌چه فرد در یک حوزه می‌تواند کسب کند، اطلاق می‌شود. افراد همواره برای کسب سرمایه تلاش می‌کنند اما توانایی کسب این سرمایه فقط در محدوده میدان که فرد در آن قرار دارد، مقدور است. از دید بوردیو، انواع سرمایه عبارتند از سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳٦).

---

4. Capital

۱) سرمایه اقتصادی[5] ماهیتی کمّی دارد و با پول، دارایی و اموال قابل سنجش و اندازه‌گیری است.

۲) سرمایه فرهنگی[6] مرتبط با تحصیلات، مدارج علمی، تخصص‌ها مهارت‌ها و... می‌باشد.

۳) سرمایه اجتماعی[7] به‌طور کلی همان شبکه ارتباط اجتماعی، گروه‌ها یا اجتماعات مرتبط با اشخاص است.

۴) سرمایه نمادین در واقع نوع خاصی از سرمایه فرهنگی است که به پرستیژ، منزلت و افتخارات کسب شده افراد در جامعه اشاره دارد.

سرمایه از دید بوردیو، نقش مهمی در میدان بازی می‌کند و در حقیقت میدان با منافع و سرمایه خاص خود تعریف می‌شود وی معتقد است تمام این سرمایه‌ها قابلیت تبدیل به سرمایه دیگر را داراست، و انواع سرمایه را می‌توان از سرمایه اقتصادی استخراج کرد گاهی آنی و گاهی با تأخیر (بوردیو و دیگران، ١٣٨٤: ١٥٤). موقعیت و جایگاه کنشگران در هر میدانی، بر اساس سرمایه آن‌ها تعیین می‌شود. فضای اجتماعی از نظر بوردیو، یک میدان بزرگ است که کنشگران آن از نظر دو سرمایه مهم اقتصادی و فرهنگی، از یکدیگر متمایز می‌شوند. بوردیو معتقد است میدان «یک جهان اجتماعی واقعی است که مطابق قوانینش، شکل خاصی از سرمایه در آن انباشته می‌شود و مناسبات ویژه قدرت در آن جریان دارد» (پرستش، ۱۳۸۵: ۷). در هر یک از میدان‌ها مانند میدان اقتصاد، میدان هنر، میدان سیاست، میدان ورزش، میدان رسانه‌ها و ... وجود سرمایه در میدان و نقش اساسی آن، زمینه وجود نزاع و کشمکش دایمی بین کنشگران آن میدان برای جذب سرمایه را فراهم می‌سازد.

5. economic capital
6. cultural capital
7. socila capital

۱. ۱. منش[۸] (عادت‌واره)[۹]

منش، شامل آن دسته از علایق و سلایق انسان می‌شود که در عین پایداری، تغییرپذیر است. منش، در تفکر بوردیو، مفهوم اصلی است. این مفهوم با بار نظری قابل ملاحظه‌ای که دارد با مفهوم میدان گره خورده است (شویره، ۱۳۸۵: ۷۷). منش را عادت‌واره نیز می‌گویند که کنش‌ها را شکل می‌دهد، «منش بر چگونگی کنش، احساس، تفکر و بودن ما تمرکز دارد» (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۰۷). منش علاوه بر آن‌که متأثر از ساختار اجتماع است، در کنشِ کنش-گران، ظهور می‌یابد و بر ساخت‌های اجتماع اثر می‌گذارد و به تعبیر بوردیو، ساختاری است که هم ساخت‌دهنده است و هم ساخت‌یافته. «منش از آن حیث که به وسیله نیروهای اجتماعی تولید می‌شود و حاصل درونی‌کردن ساختارهای بیرونی است، ساخت‌یافته تلقی می‌شود و از جهت این‌که در قالب اعمال مختلف، به بازتولید ساختارهای بیرونی می‌پردازد، ساخت‌دهنده است» (پرستش، ۱۳۸۵: ۵۵). منش می‌تواند شامل عادات آشکار انسان نظیر گفتار، ژست، حالت، لباس و حتی نوع خوراک شخص باشد.

۱. ۲. میدان

نظریه میدان‌ها، اصلی علمی در فیزیک و مغناطیس است که به خاطر قاعده‌مند بودن مورد توجه بوردیو قرار گرفت و تعریفی جامعه‌شناسانه از آن استخراج کرد. وی جهان باز و کلان اجتماعی را به میدان‌های متعدد کوچک و بسته مانند میدان دینی، میدان سیاسی، میدان هنری و ... قابل تقسیم دانست. این جهان‌های کوچک یا میدان‌ها، جزئی از جهان اجتماعی‌اند که به شکل خودمختار عمل می‌کنند. هر کدام، منافع، مباحث، قوانین و اهداف خود را دارند. هر فردی در آن واحد، عضو میدان‌های بسیاری است و در هر میدانی جایگاه متفاوتی دارد (شریعتی، ۱۳۸۸: ۱۲). در گذشته و جوامع ساده پیشاصنعتی، تعداد میدان‌های مؤثر نسبتا

8. temperament
9. habitus

محدود بود ولی امروز هرقدر جامعه به لحاظ فناوری پیچیده‌تر و به لحاظ اجتماعی تمایز یافته‌تر باشد، میدان‌های بیشتری وجود خواهد داشت (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۷). براساس دیدگاه بوردیو، جامعه مدرن با گستردگی و وسعت خود به فضاهایی خرد تقسیم می‌شود که آن‌ها را میدان نامیده‌است. ساختار میدان‌ها به روابط قدرت، منازعات درونی، و کنشگران مربوط است. میدان بینشی از جهان، یا نظر و خصلت خاص را به بازیگران مسلط و منتقل می‌کند. میدان برشی افقی از جهان اجتماعی در بعد عمودی تاریخ است که جامعه‌شناسی آن را امکان‌یابی می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۹۸: ٤۳).

میدان یک فضای اجتماعی ساخت‌یافته با جمعیتی از نیروهاست و اندرون آن افراد دارای استیلا و افراد زیردست با روابط پیوسته و پایدار و نابرابر وجود دارد. تلاش کنشگران هر میدان برای تغییر مرزهای آن، منجر به تشکیل قطب‌هایی درون آن می‌شود و عموما گروهی وجود دارند که قصد حفظ سنت‌ها را داشته و در مقابل تغییر مقاومت نشان دهند و قطب دیگر سنت شکن بوده و سعی در تغییر قواعد و مرزهای میدان دارند و در حقیقت بین آن‌ها نیز نوعی کشمکش وجود دارد، «میدان قدرت را باید میدان اصلی یا غالب در هر جامعه تلقی کرد» (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۸). بوردیو معتقد است که میدان‌ها دارای دو نوع کارکرد هستند، تخصصی و اجتماعی. کارکرد تخصصی کارکردی است که هر میدان در راستای رفع نیاز و تعادل جامعه یا سازگاری آن با شرایط موجود ایفا می‌کند. کارکرد اجتماعی نیز کارکردی است که هر میدان در راستای حفظ وضعیت موجود یا حفظ منافع طبقات یا عاملان مسلط ایفا می‌کند (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۰٤).

۱. ۳. رابطه سرمایه و میدان

در یک میدان، همواره بین کنشگران منازعه‌ای وجود دارد که در دو راستا صورت می‌گیرد: الف) کسب سرمایه؛ ب) تغییر قواعد حاکم بر میدان.

کنشگر تلاش می‌کند تا به طریقی به کسب سرمایه‌های حاضر در میدان بپردازد و از

سوی دیگر تلاش می‌کند تا قواعد و اصولی را (که بوردیو آن‌ها را قواعد بازی می‌نامد) به نفع خود و امکان کسب سرمایه بیشتر تغییر دهد لیکن تلاش کنشگران در جهت تغییر قواعد و هنجارها نیز باید براساس قواعد و اصول میدان صورت گیرد و «هر میدان، منطق عمل خاص خود را دارد» (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۳۰). از دید بوردیو، میدان قدرت، مهم‌ترین میدان است که بر همه میدان‌ها اثر می‌گذارد و به عبارتی نوعی فرامیدان است. میدان قدرت با میدان دولت و میدان سیاست منطبق نیست، بلکه میدان دولت میدان دیگری است که درون میدان قدرت قرارگرفته و سرمایه دولتی، مهم‌ترین سرمایه آن است (پرستش، ۱۳۸۵: ۷۷) و هر میدانی، ناگزیر از درگیری با میدان قدرت خواهد بود. افزایش ارتباط کنشگران درون یک میدان با میدان قدرت سبب می‌شود تا آن‌ها در کسب سرمایه اقتصادی موفق‌تر باشند گرچه ممکن است در کسب سرمایه فرهنگی متضرر شوند.

۱. ٤. رابطه منش (عادت‌واره) و میدان

می‌توان گفت دو مفهوم منش و میدان در ارتباط با یکدیگر بوده و بر هم اثر می‌گذارند. آن‌ها بازتاب دو بعد از یک واقعیت اجتماعی واحد بوده و به هیچ روی مستقل نیستند. بین عادت-واره‌ها و میدان رابطه‌ای وجود دارد و به عبارتی در عادت‌واره‌ها جامعه و عامل اجتماعی به هم پیوند می‌خورند (شایان‌مهر، ۱۳۹۸: ٤٥). افراد در حوزه‌های مختلف جامعه (میدان‌های مختلف) بر اساس منش خود به کنشگری پرداخته و در حقیقت با منش خود، بر کیفیات میدان اثر می‌گذارند و متقابلا، میدان نیز بر منش افراد و چگونگی آن اثر می‌گذارد و باید بخاطر داشت «میدان نه به عنوان نظریه‌ای کلان، بلکه به عنوان ابزاری برای تبدیل مشکلات عملی به عمل عینی و تجربی به‌کار می‌آید» (گرنفل، ۱۳۸۸: ١٤٥).

۱. ۵. کنش

هر میدانی قوانین و منطق خاص خود را دارد و عاملان اجتماعی با توجه به حجم و ترکیب

سرمایه‌هایی که در تملک دارند، در جایگاه‌های مختلف این فضا قرار گرفته‌اند و هر جایگاهی در فضای اجتماعی به لحاظ سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی وزن و ترکیب خاصی دارد، و عاملان تحت تأثیر ویژگی‌های آن جایگاه اجتماعی قرارگرفته و شرایط بیرونی در وجود آن‌ها به طور ناخودآگاه و غیرارادی درونی می‌شود و ترجیحات، ادراك، احساسات، نگرش، سلیقه، منش و عمل (انواع فعالیت) آن‌ها را شکل می‌دهد و این منش و عادت‌واره‌ها در برابر پدیده‌های اجتماعی، کنش افراد را ایجاد می‌کند (محمدی، ۱۳۹۸: ٦۳).

بنا بر تئوری بوردیو کنش در میدان با منش و سرمایه رابطه‌مند است و از این معادله پیروی می‌کند: کنش= [منش × سرمایه] + میان (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۰٦).

این رابطه می‌نمایاند هر میدانی، منش‌هایی را شکل می‌دهد و منش‌ها به‌نوبه خود کنش‌هایی را باز تولید می‌کنند و هر کنشی نتیجه رابطه بین تمایلات شخص (منش‌ها) و جایگاه او در میدان است یعنی کنش‌ها صرفا نتیجه عادت‌واره فرد نبوده بلکه رابطه بین منش او با وضعیت فعلی‌اش در میدان اجتماعی هستند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

۲. تعریف منبر، میدان دیانت، میدان منبر

سابقه «منبر» به صدر اسلام و زمان نبی مکرم(ص) باز می‌گردد که بعدها به صورت قوی‌ترین رسانه ارتباطی در جوامع اسلامی شکل‌یافته شد. منبر نوعی از ارتباطات سنتی الهام‌یافته از آموزه‌های دینی و سازگار با فرهنگ عمومی دارای بازخورد مخاطبان، مشهود، سریع، بسیار عمیق و تأثیرگذار بوده و در بحران‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور بارها ظهور پیدا کرد (الویری، نظری‌مقدم، ۱۳۹۱: ۳). در عصر غیبت که امور اساسی دین بر عهده فقها و مراجع شیعی است، میدان مذهب یا دیانت را می‌توان کلان-میدان فراگیر تعریف نمود که بخش‌های دیگر (مرجعیت وفقاهت، مدارس دینی، وعظ وخطابه، قضاوت، اوقاف، و...) زیر-میدان‌های آن هستند و هر کدام شاخصه‌های یک میدان اجتماعی را دارند.

میدان منبرهای وعظ و خطابه در دوره مشروطیت، در مساجد، تکیه‌ها گسترده و فعال

بودند، در این میدان، منبرها هرکدام بروندادی دینی را (مانند روضه‌خوانی، بیان احکام فقهی، تعظیم شادی و عزای اولیای دین، تبلیغ معارف، وعظ و خطابه، و سخنرانی انقلابی) می‌پرداختند.

میدانِ اجتماعیِ منبر مانند هر میدان دیگری کنش و آثاری دارد که به سرمایه و منش اعضای آن و فضای میدان وابسته است، قواعد و خصلت‌های خود را دارد و به رفتار و خلقیات اعضا شکل و جهت می‌دهد و درنتیجه افرادی که این قواعد را شناخته و خود را با میدان منطبق نموده و بر اساس آن اقدام کنند، می‌توانند حداکثر بهره را از سرمایه‌های میدان کسب کنند، اعضای این میدان عبارتند از خطیب (واعظ)، شنوندگان، و عوامل برگزارکننده.

آرایش قطب بندی میدان منبر پیش از مشروطیت، از دو گروه سنتی و انقلابی شکل گرفته و بعد از مشروطیت قطب‌های مسلط آن مشروطه خواه و مشروعه طلب بودند. گستره میدان منبر نیز در پایتخت و شهرهای بزرگ از مساجد، حرم‌ها، تکایا و منازل علما، تا کوچه و خیابان، حتی حیاط سفارت‌خانه‌ها) بُرد داشته‌است.

۲. ۱. منبر و میدان قدرت

در عهد قاجار «میدانِ منبر» توانایی اعمال نیرو بر دیگر میدان‌ها را داشته و لکن دخالت میدان قدرت (حکومت) در میدان منبر، منازعه مداوم را ظاهر می‌سازد که در حوادث و وقایع متعدد آن دوره دیده می‌شود. دولت قاجار با برگزاری مجالس عزاداری، برپایی منبرهای روضه و یا نمایش تعزیه چند هدف رادنبال می‌کرد تا پیوستگی خود را با مذهب شیعه و سنت‌های رایج مردم نشان دهد، برخی از منبرها و واعظان روحانی را تحت پوشش می‌گرفت تا پایه‌های حکومت خود را مستحکم سازد و آن‌ها را ثناگوی خود داشته باشد و نیز باور داشتند دعا و منبر واعظان موجب افزایش رزق و روزی می‌شود (یارن شیار، ۱۳۹۹: ۲۳٤) این‌ها نشان می‌دهد بخشی از میدان منبر رسمیت حکومتی داشته‌است.

میدان طبق نظریه بوردیو، فضای بازی کنشگرانی است که با پذیرش قواعد بازی تحت

تأثیر نیروی آن عمل می‌کنند (پرستش، ۱۳۸۵: ٦٤)، درحالی‌که به نظر می‌رسد کنشگران میدان قدرت، بارها قواعد بازی در میدان منبر را محترم نمی‌شمردند. از آن‌جایی که منبرها تریبون طبقه روحانیت محسوب می‌شدند و وعاظ منبری از اعتبار، تشخص و دانش حوزوی برخورداربودند، فقط بعضی از آن‌ها حاضر بودند با حکومت همکاری کنند ولی اکثریت علمای برجسته درعصر قاجار (مخصوصا مراجع در عراق) با حکومت قاجار فاصله سیاسی داشتند و به‌لحاظ تأمین منابع مالی نیز مستقل بودند و همین استقلال مالی، به استقلال سیاسی آن‌ها از حکومت‌ها کمک می‌کرد (دولت آبادی، ۱۳٦۳: ۵۰/۱) و چون دولت و دربار قاجار متهم و آلوده به استبداد و فساد بود امکان پیوستگی و آمیزش فقها و مراجع بزرگ را با حکومت به لحاظ مراعات آموزه‌های دینی و رسالت مذهبی، به حد اندک رسانده بود.

۲. ۲. منبر و سرمایه‌های آن

میدان منبر از سرمایه‌های چهارگانه بوردیو برخوردار و کنشگران این میدان امکان کسب سرمایه را دارا بودند، هرچند این سرمایه‌ها بعد از مشروطه و ورود مدرنیته به ایران دست‌خوش تغییر و تهدید واقع شد ولی به‌طور کلی در دوره قاجار تشکیل دهنده سرمایه‌های میدان منبر به‌شرح ذیل قابل تعریف بود:

۲ .۲ .۱. سرمایه فرهنگی منبر

سرمایه فرهنگی بوردیو (مهارت‌های خاص، سلیقه، سخنرانی، مدارک تحصیلی، قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی) در عصر قاجار در اختیار روحانیان نیز بود. وعظ و خطابه در مراسم‌های مذهبی، و آموزش احکام و تبلیغات دینی بر منبر مساجد، قسمی از سرمایه فرهنگی وعاظ محسوب می‌شد. علمای روحانی و وعاظ شهیر، نفوذ، قدرت و مقام خود را در سایه علم و تقوا به‌دست آورده بودند نه از راه همکاری با سلطنت، و اکثر مردم با میل و اخلاص آن‌ها را می‌پذیرفتند (دیوسالار، ۱۳۹۸: ۲۹). برخی سخنرانانِ خوش‌صوت،

احساسات مخاطب را برانگیخته و پیام خود را منتقل می‌ساختند (دولت آبادی، ۱۳۶۳: ۵۰/۱). سید جمال‌الدین اسدآبادی (از پیشگامان جنبش مشروطیت) با بیان ملیح و نافذ خود زمام قلوب را قبض می‌کرد و خطابه‌های او چنان جالب بود که شنونده را بی اختیار به زیر فرمان می‌آورد و به قوّه خطابه‌های آتشینش مخاطبان را از حقایق دین مبین و اسلام و قرآن آگاه می‌ساخت (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۹۱). تأثیر سخن و صدای میرزا حسین واعظ در تبریز چنان نافذ و اثربخش بود که جوانان از پای منبرش برخاسته و برای فداکاری و اسلحه‌گرفتن اقدام می‌کردند (فتحی، ۱۳۷۵: ٦۳). در شهرهای مهم نیز روحانیونی با درجات پایین‌تر که معروف به آخوند و ملا بودند امامت جماعت مساجد و برخی امور ازجمله آموزش و پرورش فرزندان رجال به عهده آن‌ها بود (درویل، ۱۳۸۹: ۱۳٤). به‌تدریج با ایجاد اصلاحات در نظام آموزشی و شکل‌گیری مدارس نوین، گسترش چاپ و انتشار روزنامه‌ها وترویج تفکرات روشنفکری، و رقابت با منابر و مجالس سنتی و مذهبی، سرمایه فرهنگی روحانیت مورد تهدید واقع شد.

۲. ۲. ۲. سرمایه نمادین منبر

این سرمایه با اعتماد و باور دیگران وجود عینی می‌یابد و دوام و استمرار آن نیز با باور دیگران در ارتباط است. با همین اعتبار، علما و سخنرانان روحانی نقش هدایت و رهبری مردم را در بسیاری از رویدادهای این دوره، بر عهده داشتند. عموم مردم منبررا به‌خاطر تعلق به رسول خدا(ص) مقدس می‌شمردند، و برای علما و واعظان در ایران احترام فوق‌العاده‌ای قائل بودند (درویل، ۱۳۸۹: ۱۲۷)، در دوره قاجار، مرجعیت شیعه که به سبب داشتن دانش و تقوای بیشتر، در صدر نخبگان و سرمایه‌های نمادین روحانیت قرار داشت به نیابت از امام زمان(عج) مسئولیت ارشاد عامه را دارا بود (رهدار، ۱۳۸۵: ۱۱). مردم منبر را رسانه مرجعیت و لایقِ علما و وعاظ دینی می‌دانستند و همین سرمایه نمادین در وقایع مشروطیت نقش خطبای مشهور و واعظان انقلابی را چشم‌گیر ساخت (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۲۸)، هرچند به

تدریج روشنفکران غرب‌گرا باعث شدند بخشی از مردم به سمت اندیشه‌های آنان گرایش پیدا کنند و به طرد و انکار و مقابله با اندیشه‌های دینی بپردازند.

۲. ۲. ۳. سرمایه اجتماعی منبر

بر اساس نظریه بوردیو تکالیف و تعهدات اجتماعی و پیوندها و دایره روابط اجتماعی واعظان را باید در زمره سرمایه اجتماعی منبر محسوب کرد. واعظانِ منبری عصر قاجار یا خود عالم دینی بوده یا زبان گویای مرجعیت و علمای روحانی محسوب می‌شدند و مردم کلام آن‌ها را تفسیر دین دانسته و به ایشان اعتماد و ایمان داشتند زیرا علما را فقیهان آشنا به احکام دین وحجتی از طرف امام زمان(عج) در زمان غیبت می‌دانستند، چنان‌که در وسائل الشیعه ج۱۸ در توقیع امام عصر(عج) آمده «واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم...»[۱۰](امام خمینی، ۱۳۶۵: ۴۵)، این خصوصیت علاوه بر سرمایه اجتماعی، نیز سرمایه نمادین و فرهنگی برای نهاد روحانیت بود. اعضای این نهاد را علما، ائمه جمعه، شیخ الاسلام‌ها، خطیبان، مدرسان و قضات تشکیل می‌دادند، آنان نقش تأثیرگذاری در جهت دهی به فکر ایرانیان را داشته و می‌توانستند مردم را به هرسمت که می‌خواهند سوق دهند (دیوسالار، ۱۳۹۸: ۳۲). بیشترین سرمایه اجتماعی منبر، همان اعتماد مردم به علما بود (العُلَماءُ اُمَناءُ الرُّسُل)[۱۱] (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۷۱/۸) که آن را مهم‌ترین نیروی پشتیبان انقلاب مشروطیت می‌دیدند و اگر آنان انقلاب را با سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود تأیید نمی‌کردند حتما در نطفه خفه می‌شد (حائری، ۱۳۸۱: ۲). علمای روحانی به منزله پیشوایان ملی در انقلاب مشروطه نقش مهمی بازی کردند و چون پناهگاه عامه بودند، مردم از استبداد نامشروع دولت قاجار به قدرت مشروع علما پناه می‌بردند (الگار، ۱۳۵۵: ۳۵).

علما برای مقابله با تجاوزات و زورگویی‌های بیگانگان، از منبر برای تهییج مردم استفاده

۱۰. در حوادث روزگارکه برایتان رخ می‌دهد به راویان احادیث ما مراجعه کنید زیرا آنان حجت من برشمایند...

۱۱. میزان الحکمه، حدیث ۲۸۳۱.

نموده، مردم نیز فورا دعوت علما را اجابت می‌کردند (کرمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۵/۱). این پیوستگی اجتماعی منبر و مردم سبب می‌شد استبداد و دولتیان از روحانیت بترسند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۵). و منزل آن‌ها محل بست‌نشینیِ افراد ورشکسته یا مظلوم و تحت تعقیب دولت باشد (جواهری، ۱۳۸۰: ۳۶-۳۷). گویی مردم برخی از تمایلات واقعی خود را در گفته‌های منبر می‌یافتند چنان که هزاران نفر پای منبرسخنرانی ملک المتکلمین حضوریافته با شنیدن حرف‌هایش، زمزمه عدالت، حبّ وطن و شرافت ملی در افکارشان نقش می‌بست (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۱۲۳/۱). در گزارشی آمده حدود ۴۰ هزار نفر از مردم اصفهان در تخته فولاد تجمع نمودند حاج آقا نورالله بالای منبر رفت و از مردم پیمان گرفت از اصول مشروطیت حمایت می‌کنیم همه به تکلیف شرعی خود عمل کنید، سپس عده‌ای شمشیرها و قمه‌ها را از غلاف کشیدند و هماهنگ تظاهرات کنندگان شعار می‌دادند (دانشورعلوی، ۱۳۳۵: ۳). امجد الواعظین تهرانی از منبرش می‌گوید: «من در مسجد جامع که کاشی ها در دهه عاشورا روضه خوانی تاجرمآبانه می‌کردند در روز تاسوعا در حضور قریب به ۱۰ هزار نفر جماعت، فجایع انگلیسی‌ها را شرح داده و از مظالم آنان نسبت به بقاع متبرکه آتش فشانی کردم...» (گوهرخای، ۱۳۵۵: ۱۴۱). در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نمونه‌هایی از منبر علما و واعظان دینی مطرح گردیده که حضور انبوه شنوندگان و جمعیت مافوق تصور در آن محافل را ذکر نموده‌است (کرمانی، ۱۳۹۶: ۳۷۴/۲) همچنین دراسناد و گزارش‌های نظمیه تهران ـدوره ناصریـ نیز تعداد بسیاری از مساجد نام برده می‌شود که جمع کثیری از مردم به سخنان واعظان گوش فرا می‌دهند (شیخ‌رضائی، آذری، ۱۳۷۷: ۷۱۸/۲).

سرمایه اجتماعی منبر و اعتباری که واعظ دینی در میان مردم داشت میزان اثرگذاری پیام او را بر مردم و ایجاد تحولات در جامعه را افزایش می‌داد، حتی میرزا ملکم‌خان در شماره ۵ روزنامه قانون آورده «اگر چند نفر ملای صاحب ذوق، روح مسأله را بفهمند می‌توانند جمیع این مطالب [مشروطه] را در کمال سهولت چنان در مغز مردم جای‌گیر سازند که هیچ لشکر ظلم دیگر نتواند در مقابل این حقایق نفس بکشد» (ناظم الدوله، بی‌تا: ۱۵/۵). کسروی

می‌گوید توده مردم معرفت صحیح از مشروطه نداشتند صرفا به شنیده‌های خود از زبان علما بسنده می‌کردند و تنها بنام پیروی از پیشروان به جوش و امکان افتادند (کسروی، ۱۲۵۵: ۲۵۹). مناسبت‌های مذهبی مانند محرم و صفر، ایام وفات و شهادت معصومین(ع) و ماه رمضان بستر مناسبی بود در پیوستگی مردم به اجتماعات دینی و نشستن پای منبر و به تعبیر دولت‌آبادی، قدرت و قوت روحانیون به اجتماع عوام است از این جهت آقایان در ایام وفات و روضه خوانی که مردم جمع می‌شوند به منبر می‌روند هرچه می‌توانند بر ضد دولت صحبت می‌کنند (دولت آبادی، ۱۳۶۳: ۶۶/۲).

بوردیو معتقد است با عضویت در شبکه اجتماعی نوعی سرمایه اجتماعی تحصیل می‌شود، لذا هر چه بر جمعیت منبر و اعضای این میدان افزوده شود سرمایه اجتماعی کنشگران آن بیشتر می‌گردد. بنابراین جریان انقلاب مشروطیت با حمایت علما و منبرهای انقلابی، رشد مسلّم یافت و از میدان باشکوه و اکثریت مردم برخوردار گردید که اولین ثمره‌اش فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورا توسط مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۲۴ق بود (جواهری، ۱۳۸۰: ۴۸)، لکن بعد از مشروطه، میدان‌های دیگری خلق شد که میدان اصیل منبر وعظ و خطابه را محدود می‌ساخت (میدان مجلس، میدان انجمن‌ها، تجزیه میدان منبر به مشروطه‌خواه و مشروعه‌طلب) به تدریج هر اصلاحی که در قوانین مجلس و حاکمیت صورت می‌گرفت نقش علما، روحانیت و بالتبع منبرها را کاهش می‌داد، و طبعا سرمایه‌های اجتماعی روحانیت با چالش مواجه می‌گردید، تکالیف و تعهدات اجتماعی آن‌ها با نوسازی‌های انجام گرفته کمتر می‌شد و درنتیجه از سرمایه اقتصادی آن‌ها می‌کاست. البته سرمایه نمادینِ وعاظ، علما و روحانیت همچنان در دوره قاجار نزد عامه محترم بود و مقام و اعتبار خویش را حفظ نمودند.

۲. ۲. ٤. سرمایه اقتصادی منبر

سرمایه اقتصادی از نظر بوردیو شامل دارایی‌ها و کالاهای ارزشمند متعلق به یک فرد خاص

می‌باشد، ازاین‌رو هرگونه درامد خطیب منبری، سرمایه اقتصادی او محسوب می‌شود. به‌طور کلی سرمایه اقتصادی روحانیت در دوره قاجار از راه قضاوت، تولیت اوقاف و بقاع متبرکه، آموزش (مکتب‌خانه یا معلم خصوصی)، امامت مساجد، نذورات، تأیید صحت اسناد مالکیت، گردآوری زکات و وجوهات شرعی تأمین و تحصیل می‌شد (الگار، ۱۳۵۵: ۲۷)، برخی از خطبای مشهور از درآمد منبر (حق المنبر) برخوردار و بعضا از خلعتی نیز متمتع می‌شدند، ملاهای سطح پایین نیز از روضه‌خوانی امرار معاش می‌نمودند. منبری‌های درباری مانند امام جمعه‌ها، شیخ الاسلامِ شهرها و برخی وعاظ به علت پیوستگی با دربار و وزرا (الگار، ۱۳۵۵: ۳۴) از درآمد، امتیازات، املاک و خلعت شاهی نیز منتفع بودند. پس از مشروطیت و رواج نوگرایی در جامعه به تدریج سرمایه‌های سنتی روحانیت تقریبا به چالش کشیده شد. روزنامه‌ها به موازات منبرهای وعظ و خطابه، اطلاع رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم را توسعه داده که در این رقابت، مطبوعات توانست با نفوذ در میدان منبر بر سرمایه اقتصادی منبر نیز اثر منفی بگذارد.

۲. ۳. منبر و منش

از نظر بوردیو، منش حاصل تربیت و فرایند اجتماعی شدن است که در رفتار به صورت ناخودآگاه درآمده و سپس به شکل استعداد طبیعی، سلیقه و ذوق نمود می‌یابد (شریعتی، ۱۳۸۸: ۱۴) و کسب سرمایه فرهنگی، به جایگاه فرد در میدانی که در آن ایفای نقش می‌کند ربط دارد. مثلا کسانی امکان داشتند واعظ و سخنران بشوند که قدری علوم دینی، شئونات روحانی، قدرت فهم مسائل مذهبی و توان بیانِ روزامد آن را دارا باشند (کرمانی، ۱۳۹۶: ۲۵۶/۱) تا بتوانند منش این میدان را در خود بیابند، بنابراین در حوزه منبرافرادی که قواعد بازی در این میدان را نمی‌دانستند و یا بدان عمل نمی‌کردند، نمی‌توانستند جزو این میدان باشند. «هر میدان، نهادینه کردن نظرگاهی است در مورد چیزها و خصلت‌ها. خصلت خاص، که به تازه واردان همچون خرید بلیط ورودی تحمیل می‌شود چیزی جز نوعی تفکر خاص

نیست» (شویره، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

عادت‌واره اعضای این میدان عبارت بود از رعایت ظواهر مذهبی، تکریم شعائراسلامی، اهتمام به برگزاری مجالس دینی و تعظیم ایام‌الله، مقدس دانستن منبر، احترام به واعظ و اعتقاد به آن‌چه او می‌گوید که اینها شاکله رفتارهای فردی و اجتماعی و ذهنی مستمعان (پامنبری‌ها) را شکل می‌داد. بخشی از میدان منبر را مجالس روضه خوانی تشکیل می‌دادند که رقابت درون این میدان، برای کسب سرمایه و امرار معاش و معروفیت و ارتباط با خانواده‌های برخوردار دیده می‌شد، و گاه منازعه و یا همراهی در داخل میدان بین رقبا و همکاران صورت می‌یافت (گوهرخای، ۱۳۵۵: ۲۶) که بنا بر نظریه بوردیو در هر میدانی این اتفاقات پذیرفتنی است.

۲. ٤. منبر و کنش

«میدان منبر در دوره قاجار» اثرگذاری ملموسی در برخی حوزه‌ها و پدیده‌های اجتماعی و رفتارهای عمومی داشت و عرصه و قوام میدانش بیشتر بر اعتقادات و باور عامه و جایگاهی که به‌طور سنتی در اختیار داشت استوار بود، به همان اندازه دارای کنش بود و در اوضاع اجتماعی سهم داشت، البته با مشکلاتی نیز همراه بود:

۲. ٤. ۱. نفوذ حوزه قدرت فراتر از پیش‌بینی و انتظار وجود داشت زیرا کنشگران خارج از میدان منبر (دربار، هیئت حاکمه، سفارت‌های بیگانه، روشنفکران غربزده) مستمراً در آن دخالت و به کنشگری می‌پرداختند، لذا قواعد بازی حاکم بر میدان نادیده گرفته می‌شد (جواهری، ۱۳۸۰: ۱۰۲-۱۰۵).

۲. ۴. ۲. در برخی موارد میدان منبر توانایی اعمال نیرو بر میدان‌های دیگر و نیز کنشگران خود را داشت مثل قضیه تنباکو یا جریان موضع‌گیری علیه موسیو نوز بلژیکی (جواهری،

۱۳۸۰: ۴۸-۴۶). که میدان منبر توانست با ایجاد وحدت لازم بین مردم به هدف نائل آید، و از استقلال لازم نیز برخوردار بود.

۲. ۴. ۳. در برخی وقایع تاریخی، منشِ کنشگران حاضر در میدان منبر با یکدیگر متفاوت بوده و کنشگران با سرمایه‌های متفاوتی در آن به کنشگری می‌پرداختند مانند منبرهای مشروطه، مشروعه، درباری، و... (اکبری بیرق، ۱۳۷۹: ۴۵)، مثلا در قضیه مشروطیت منازعه برای کسب سرمایه در آن براساس قواعد و هنجارهای بازی صورت نمی‌گرفت بلکه فشارهای بیرونی و میدان‌های دیگر به‌شدت بر منازعات درون میدانِ منبر اثرگذار بود.

می‌توان دریافت صورت‌بندی «میدان منبر» نیازمند تعریف واضح بود، اما خصایص اصلی و ویژگی‌های لازم برای کارکرد واقعی یک میدان را داشت. بر اساس آرای بوردیو، می-توان گفت که بسیاری از مشکلات پیش روی منبر ناشی از عدمِ تعریف دقیق میدان منبر و کنشگران واقعی آن بوده‌است. لذا به نظر می‌رسد هر زمانی که کنشگران میدان منبر به نقش ساخت‌دهنده خود در میدان عمل نکرده و ساختارهای داخلی نیز قدرتِ لازم برای تأثیر بر منش کنشگران را نداشته و تلاش کافی دوسویه از جانب کنشگران و ساخت‌ها برای تعادل نیروهای بین میدانی، و مرزبندی شفاف میدان صورت نگرفته، میدان منبر، کارایی لازم و توان مواجهه با ناهنجاری‌های موجود را نداشته‌است. به‌عبارتی جبهه‌گیری منابر مشروطه و مشروعه در مقابل هم (ناصرالملک، ایروانی، ۱۳۸۰: ۳۵) از این قاعده مستثنی نبود.

از طرفی روشن می‌شود کنشگران این میدان نتوانستند یا نخواستند تشکلی فراگیر و نهادی ساخت‌یافته برای منبر و وعظ تأسیس کنند تا میدان منبر از دوقطبی و انفکاک قوا کمتر آسیب ببیند. از عواقب دوقطبی آن بود که برخی از اعضای میدان منبر، به تدریج سرخورده شده و رو به انزوا آوردند (رواستان، ۱۳۸۵: ۹۰)، برخی کنشگران این میدان توسط افراطیون ترور و حذف شدند مانند شیخ فضل‌الله، سیدعبدالله بهبهانی، و ده‌ها روحانی انقلابی (کرمانی، ١٣٩٦: ٣٩٤/٢) و برخی مانند تقی زاده و دولت آبادی از این میدان کوچ کرده،

وارد میدان‌های قدرت شدند و از کنشگرانِ این میدان انتقاد می‌نمودند.

۳. مقایسه منبرهای مشروطه خواهان و مشروعه طلبان

مؤلفه‌ها	منبرهای مشروطه خواهان	منبرهای مشروعه خواهان
میدان منبرهای انقلابی	بخشی از میدان منبر با جهت‌دهی رهبران انقلابی توانست اکثریت جامعه درونی را باخود هم راستا نماید و قوی‌ترین قطب درون میدان را شکل دهد، قطب‌های مقابل آن، منبرهای درباری و بی‌تفاوت بودند.	در آغاز نهضت میدان منبرهای انقلابی یک هدف را دنبال می‌کرد ولی بعد از تأسیس مجلس شورا، اختلافات عقیدتی و سیاسی رهبران باعث ایجاد دوقطبی در این میدان شد.
منش	منش، دوطرفه بود گاهی اعضابرای تظلم-خواهی به خطبا رجوع می‌کردند تا موضع-گیری بر منبر کنند، وگاهی واعظان مردم را تهییج نموده تا کنش و تظاهرات داشته باشند. (مثل کمک به محرومان، اعتراض به مظاهر ضددینی، اعتصاب، قیام به مبارزه مسلحانه و...)	منش دو گروه مشابه هم بود و هر گروه از عالمان و واعظان طیف و دسته خود پیروی می‌کردند. حتی در شهرستان‌ها.
سرمایه اقتصادی	حمایت مالی بازاریان و مخالفان دولت، اعانه، صدقه، نذورات، وجوهات شرعی، حق الزحمه منبر، بعد از مشروطیت و تأسیس مجلس شورا، وعاظ مشروطه خواه ازحمایت مجلس، برخی احزاب نیز بهره‌مند بودند.	منافع اقتصادی مشابه گروه دیگر، و حمایت بخشی از بازاریان از مشروعه خواهان، حمایت دربار، یا وزرا از برخی منبری های ضد مشروطه
سرمایه فرهنگی	تحصیلات حوزوی و برخی علوم جدیده، از جمله سرمایه‌های فرهنگی وعاظ بود. منابر	سرمایه فرهنگی مشابه گروه مقابل داشتند،

	مشروطه‌خواه از مسائل بین الملل و رشد غرب اطلاع داشتند. نوشتن کتاب و مقالات روزنامه نیزاز سرمایه-های فرهنگی این گروه بود، برخی منبری‌ها نیز دارای مدارس جدید بودند.	و درمقابل هجوم تفکرات غربی و واردات محصولات اروپا، و رواج فرنگی‌مآبی، کتاب، روزنامه و اعلانیه هم منتشر می‌کردند ولی کمّیت خیلی کمتری نسبت به مشروطه طلبان داشت.
سرمایه اجتماعی	برخی خطبا جزو عالمان دینی بوده و محل رجوع مردم در امور معاملات و برخی دعاوی حقوقی بودند، حمایت مجلس و انجمن‌ها از خطبا و عضویت در احزاب بر سرمایه اجتماعی ایشان می‌افزود.	سرمایه اجتماعی مشابه مشروطه‌خواهان، ولی بعد از تأسیس مجلس و موضع-گیری انجمن‌ها و مطبوعاتِ مشروطه‌طلب در مخالفت با مشروعه‌خواهان، بخشی از سرمایه اجتماعی آن‌ها کاهش یافت.
سرمایه نمادین	حمایت مراجع بزرگ نجف، پشتوانه جنبش عظیم مشروطیتِ ایران شد، وتا بعد از قطب-بندی بین مشروطه و مشروعه نیز ادامه داشت، از انگیزه‌های قیام مجاهدان تبریز به نفع مشروطه بود. این سرمایه نمادین در مقیاس نازل‌تر برای رهبران مذهبی(طباطبایی و بهبهانی) که از منبر برای هدایت قیام استفاده می‌نمودند وجود داشت.	منبرهای مشروعه‌خواه در ابتدای جنبش مشروطه هم-نوای آنان بودند، بعد از مشاهده انحراف در اهداف اصلی به مخالفت با برخی اصول مشروطه و برخی مصوبات مجلس برخاستند. سرمایه نمادین رهبران آن توانست جمعی از وعاظ و مردم را همراه سازد، با موضع‌گیری مراجع عراق

		در مورد اقدامات شیخ فضل‌الله، جایگاه نمادین او قدری تضعیف شد و بعد از اعدام شیخ، منابر مشروعه‌خواه کاهش یافت.
کنش‌ها	- مهاجرت عظمی به قم - بست نشینی در سفارت - حمایت از اصول مشروطیت - حمایت از مصوبات مجلس - میتینگ انجمن‌ها - حمایت از جراید - انعکاس منبرهای مشروطه در نشریات - مخالفت با منتقدان مشروطیت - تکفیر مشروعه‌خواهان و درباری‌ها - مخالفت بی‌پرده با شاه، دربار و وزرا - مشابهت سازی شاه و وزرا با یزید و شمر - حمایت تندروها از اعدام شیخ فضل‌الله	- مشارکت در مهاجرعلما به قم - همراهی اولیه با مشروطه‌خواهان - حمایت از مشروطه و تأسیس مجلس - واکنش به برخی مصوبات مجلس - تبیین برخی اصول متمم قانون اساسی - ابراز مخالفت با افراطیون مشروطه - چاپ منابر و مواضع نوری در روزنامه لوایح - تکفیر مشروطه‌خواهان - حمایتِ دربار در برابر تندروی‌های مشروطه‌خواهان - برگزاری منابر اعتراضی در عبدالعظیم - عزلت و دل‌سردی برخی از وعاظ از مبارزه

۳. ۱. میدان‌های رقیب منبر

۳. ۱. ۱. میدان هنرهای جدید، مانند عکس، کاریکاتور، موسیقی، تئاترغربی، گرامافون و سینما، همانند بازاری از صنایع و هنرهای وارداتیِ نوین و رسانه‌ای بود، این میدان در اواخر دوره قاجار صورت یافت (مهرابی، ۱۳٦۳: ۱۵) و به علت جذابیت و مدرن بودن و جلب توجه جوانان، به مرور از جمعیت میدان منبر می‌کاست.

۳. ۱. ۲. مطبوعات، روزنامه و مجلات، در واقع میدانی بود که افراد باسوادِ خواندن را در برداشت و رقابتی تازه با منبر برپا ساخت، این رسانه جراید، رقیبی جدی برای مجالس وعظ شده بود و مردم در نشریات و روزنامه‌ها، اطلاعاتی می‌خواندند سوای آن‌چه در منابر می-شنیدند (جعفریان، ۱۳۷۸: ۳۸) لاجرم بخشی از کنشگران حوزه منبر، وارد فعالیت‌های مکتوب و رسانه مطبوعات شدند مثلا مدتی سخنرانی‌های سیدجمال واعظ را در نشریه "الجمال" منتشر ساختند (الویری، نظری‌مقدم، ۱۳۹۱: ۱۳)، یا زمانی که شیخ فضل الله در عبدالعظیم بست نشسته بود، مواضع و سخنرانی‌های خود را چاپ می‌کرد و بنام لوایح معروف شد (رضوانی، ۱۳٦۲: ۵۰)، البته این کنش دارای موارد معدود بود.

۳. ۱. ۳. انجمن‌ها و احزاب، میدانی بود که در پرتو تصویب قانون آزادی احزاب، وسعت گرفت و لذا این تشکل‌ها اکثرا هوادار مجلس و مشروطیت بودند، کنشگران این میدان زیر نفوذ اندیشه‌های غرب‌گرا و روشنفکری، گاه به تخریب طبقه روحانیت (علما، خطبا، طلاب، روضه‌ها) مبادرت می‌کردند. گرچه در این میدان جدید برخی از علما و وعاظ مشهور نیز نقش داشتند (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

۳. ۱. ٤. نمایش تعزیه، میدان وسیعی از هنر، اعتقادات، تراژدی، احساسات و سرگرمی مردم بود، این میدان با سابقه تاریخی مورد حمایت شاهان قاجار قرار داشت (مستوفی،

۱۳۷۱: ۲۸۷/۱) و در سراسرکشور گسترده بود و گاهی در آغاز تعزیه‌ها از منبر روضه‌خوانی نیز کمک گرفته می‌شد (حکیمی، ۱۳۷۱: ۸۲)، البته برگزاری هم‌زمان منبر و تعزیه می‌توانست از مخاطبان منبر بکاهد زیرا دارای جاذبه نمایشی و تأثیر احساسی بر افکار مردم بود. همچنین به‌علت آمیخته شدن برخی تعزیه‌ها به خرافات و جعلیات، عده‌ای از واعظان مشهور مانند شیخ جعفر شوشتری، با تعزیه‌های ناصحیح مخالفت می‌کردند.

۳. ۲. تحلیل میدان منبر و میدان‌های رقیب

۳. ۲. ۱. در میدان منبر، انتقال مفاهیم شفاهی و سریع، به قدرت القای پیام، نفوذ کلام واعظ در ذهن مخاطب و همچنین سرمایه نمادین و اجتماعیِ سخنران بستگی داشت (الویری، نظری‌مقدم، ۱۳۹۱: ١٤).

۳. ۲. ۲. رسانه‌های مدرن، ابتدا به دربار ورود کرد و در رقابت با منبر، میدان بسیار کوچک-تر داشت، پرهزینه بود و به کندی بین مردم جا یافت و تا پایان قاجار این میدان اثرگذاری سیاسی در کشور نداشت.

۳. ۲. ۳. میدان نشریات و روزنامه‌های آن دوره، درفضاسازی برای مجلس و حوادث سیاسی عامل مهم اثرگذاری بودند و نسبت به منبر مخاطب کمتر داشته زیرا افراد دارای سواد خواندن، اقلیت بودند.

۳. ۲. ٤. انجمن‌ها از پدیده‌های مدرنیته بود، برخی انجمن‌ها که از اقبال برخی علما و خطبا برخوردار بوده و گاهی مراسم داشتند مجلس و منبر ایشان حول و حوش مسائل سیاسی می‌چرخید و در مقابل آن، منابر مخالفان مشروطه وجود داشت. احزاب افراطی که با مذهبیون و روحانیت همسو نبودند مطالب منبر را خرافی و ارتجاعی می‌شمردند (کریمی، ۱۳۸۳:

۹۲)، تقابل میدان‌های رقیب با میدان منبر در راستای تقابل مدرنیته با سنت، به زیان میدان منبر انجامید و زمانه از لحاظ شرایط سیاسی و موقعیتی که در اثر آشنایی با غرب پدید آمده بود علیه روحانیت بود انتشار ده‌ها نشریه در مشروطه که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها از موضع منور الفکری حمایت داشت کار را بر روحانیون حافظ سنت‌ها سخت کرده و آن‌ها را محصور کرده و سپس از میدان سیاست خارج کرد. در این کار البته از تهمت و افترا و ترور و اعلام به هرشکل ممکن استفاده شد (جعفریان، ۱۳۷۸: ۳۸).

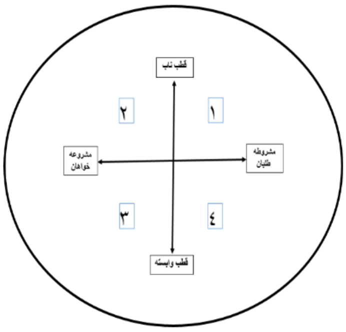
۳. ۲. ۵. حکومت قاجار و استعمارگران (میدان‌های استیلاجو) سعی داشتند با ایجاد چندقطبی در میدان منبر، (استقلال، وحدت و قدرت) آن را بشکنند، قطب‌های ناب را تضعیف کنند و قطب‌های وابسته را ایجاد وجذب نمایند تا بتوانند از دخالت مؤثر منبر بکاهند. کنشِ آنان، سرمایه‌های منبر و وعاظ را کاهش می‌داد ولی سرمایه نمادین آن (اعتبار معنوی علمای وارسته و واعظان پارسا) برقرار بود.

۳. ۳. صورت‌بندی میدان منبر

میدان منبر نیز دو قطب ناب و وابسته دارد. در قطب ناب خطیبانی بودند که منبر را ابزار تبلیغ مکارم اخلاق دانسته و هدفشان تبلیغ در جامعه مؤمنین با گفتار و رفتار اسلامی و اخلاق پسندیده بود، گرچه بنا بر تئوری بوردیو، کنشگران ناب به دنبال سرمایه فرهنگی و نمادین (شهرت و افتخار) هستند اما هدف واعظان ناب و اهل تقوا، کسب رضای الهی و اخلاص بوده‌است (دیوسالار، ۱۳۹۸: ۲۹) و اگر سرمایه نمادین (اشتهار و افتخار) هم کسب می‌کردند هدفشان وصول به آن سرمایه نبوده‌است لذا مایه‌های معنوی را نمی‌توان با ملاک‌های مادی مقایسه کرد و این‌جا تفاوت با نظریه بوردیو مشاهده می‌گردد.

بر اساس نظریه بوردیو، اعتلای منبر در صورت قدرت گرفتن قطب ناب و پرهیز از وابستگی، عملی خواهد بود. هم‌چنین در این میان، منش کنشگران نیز عاملی واجد اهمیت

است (مستمع، صاحب سخن را بر سرِ کار آوَرَد) زیرا در هر شرایطی که ساخت‌مندیِ منش بیشتر باشد، تأثیرش بر بازتولیدِ قدرت تولیدکننده خود نیز بیشتر خواهد بود. یعنی حضور و وجود خطیبانی که در منش خود به منبر ناب اعتقاد داشته باشند، سبب بازتولید و تقویت این قطب خواهد شد. در قطب وابسته منبریانی هستند که منبر را یک صرفا یک حرفه دانسته و دنبال جذب سرمایه اقتصادی می‌باشند، معمولاً در میدان بین این قطب‌ها نزاعی دائمی وجود دارد، امام‌جمعه، شیخ‌الاسلام‌ها و خطیبان وابسته به دربار ذیل این قطب تقسیم‌بندی شده‌اند. بعضی از منبرهای مشروطه‌خواهان و مشروعه‌طلبان نیز در این قطبِ وابسته (به میدان‌های دیگر) قرار می‌گیرند، مثلا برخی وعّاظِ مشروطه‌خواه در ایران تحت القائات غرب‌گراها، منبر آتشین و تندی در منازعه با مخالفان خود داشتند، برخی وعّاظ مشروعه‌خواه هم به‌تدریج قدری به دربار نزدیک شدند، طبعا منازعه درون میدان بین منبرهای مشروعه و مشروطه بالا گرفت. به نظر می‌رسد عامل اصلی رقابت واعظان سنتی و خطیبان نوگرا در این میدان، مربوط به حوزه تئوری و اندیشه بوده ولی تهدیدات و تغییرات سرمایه‌های منبر و روحانیت در آن بی تأثیر نبوده‌است.



نمودار قطب‌بندی میدان منبر در دوره مشروطیت بر مبنای مدل بوردیو

ناحیه ۱: منبرهای ناب مشروطه خواهی مانند مانند بهبهانی و طباطبایی

ناحیه ۲: منبرهای ناب مشروعه خواهی مانند شیخ فضل الله

ناحیه ۳: منبرهای وابسته مشروعه خواهان مانند امام جمعه

ناحیه ٤: منبرهای وابسته مشروطه طلبان مانند ملک المتکلمین و سیدجمال واعظ

نتیجه

مطالعه جایگاه منبر وعظ و خطابه در دوره قاجار و ضعف و قوت‌هایش در آن بازه تاریخی (از منظر اجتماعی) با توجه به حضور مستمر منبر تاکنون، پژوهشی مفید و قابل استفاده روز می‌باشد. پیر بوردیو، نظریه پرداز معاصر، در «نظریه میدان» جامعه را به میدان‌های مختلفی تقسیم می‌کند که در هر یک از این میدان‌ها، افراد برحسب «منش» خود و با رعایت قواعد و هنجارهای بازی به «منازعه» برای کسب «سرمایه» می‌پردازند. از یک‌سو میدان بر منش افراد تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر منش افراد، خصوصیات میدان را تعریف می‌کند و سه ویژ گی عمده در «نظریه میدان» را منازعه، استقلال و اعمال نیرو می‌داند، این پژوهش برای میدان منبر در مقطع تاریخی مشروطیت نیز سه ویژگی مذکور را تأیید می‌کند. با بررسی رابطه قدرت و منبر در دوره مشروطیت، با دو قطب عمده در میدان منبر روبه‌رو می‌شویم: منبرهای طرفدار مشروطه و منبرهای مخالف آن که هر کدام دارای میدانی خردتر در دل میدان منبر بودند. در دوره قاجار نهاد و تشکل مؤثری برای وعاظ وجود نداشته و منبر بخشی از وظایف روحانیت تعریف می‌شد، هم‌چنین منبرها فاقد نظام آموزشی مستقل بودند، کنشگران با سرمایه‌های مختلف وارد این میدان می‌شدند که مرزهای آن شفاف نبود. با این حال میدان منبر به دلایل متعددی دارای بنیه اثرگذاری و استقلال بود و بارها در منازعات اجتماعی، موافق یا مخالفِ حکومت قاجار، حضور مؤثر داشت. در بررسی میدان منبر باید به تأثیر میدان‌های مختلف بر آن توجه کرد ازجمله میدان مدرنیته (با آثار واردات مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعیِ غرب) و نیز میدان رسانه‌ها مانند نشریات و شب نامه‌ها، که در رقابت با میدان منبر بوده‌است. در مطالعه جامع میدان منبر در دوره مشروطیت، توجه به آسیب‌شناسی میدان، لزوم بازشناسی منش اعضا (خصلت‌ها و ویژگی‌های وعاظ و نیز صفات و رفتار مخاطبان) بر مبنای حفظ ارزش‌های مذهبی وشناخت دقیق میدان‌های رقیب و منش و کنش آنان حائز اهمیت فراوان است. زیرا قسمتی از منشِ اعضای میدان با الگوگیری از رفتار واعظ شکل می‌گیرد و رفتارساز او می‌شود و البته این منشِ ساخت‌یافته نیز می‌تواند قدرت منش‌ساز برای

کنشگر (واعظ) را بازتولید نماید.

منبر در حوادث آن روزگار، متناوبا با چالش‌هایی (ظهور رسانه‌های نو و مطبوعات، تحول در محتوا، روزآوری پیام، تغییر ذائقه‌های نسل جوان، و مشکل جذب مخاطب) مواجه بوده‌است، بدیهی است انعکاس خواسته‌های طبقات مختلف اجتماع در منبر، با جذب مخاطب نسبت مستقیم دارد، زیرا هرچه پیام منبر، پویا، با مفاهیم جدید، اقناعی، مخاطب‌پذیر، جذاب، و همگرا با نیاز جامعه باشد به جذب مخاطب (مستمع) بیشتر و گسترش دامنه میدان می‌انجامد و هراندازه، منبر بتواند منش‌پذیری و عادتواره پیروان را در راستای اهدافش سامان دهد، توان کنشگریِ میدان منبر در اجتماع را افزوده‌است. بدین‌سان واعظانی که با مطالعه اخبار جهان، بر منبرهای دوره مشروطه از پیشرفت‌های خارجه، مدرنیته، تبیین عقب ماندگی کشور و افشای استبداد قاجار، سخن می‌راندند میدان گسترده‌تر و عامه‌پسندتر می‌یافتند و فعالیت میدان اجتماعی منبرها، به وضوح در فضای تحولات آن دوره مشهود بود، منش‌ها و کنش‌های اعضای این میدان، به تجمعات، تحصن‌ها و جنبش مشروطیت تبدیل شد و الگوپذیری مردم از وعاظ و متقابلا اثرپذیری خطبا از مردم، نظریه میدان بوردیو را تأیید می‌کند. بعد از تأسیس مجلس شورای ملی دخالت میدان‌های دیگر (دربار، مجلس، مطبوعات) باعث ایجاد قطب‌های درون میدان منبر شد و منازعه چند قطبی منابر (مشروطه، مشروعه، درباری، بی‌تفاوت) موجب چنددستگی مردم و تفاوت عادتواره پیروان هر قطب گردید، و روند جریانات سیاسی به سمتی رفت که اثرگذاری منبر در پایان دوره قاجار کاهش یافت. نباید از نظر دور داشت میدان منبر ذیل میدان مذهب تعریف می‌شود لذا حضور مراجع بزرگ در عراق (نه ایران) و تعدد رهبران مجتهد در داخل، رهبری واحدی را برای قطب میدان منبر نشان نمی‌داد و نباید غیر از چندقطبی و چنددستگی انتظار دیگری داشت.

به‌نظر می‌رسد اگر منابر مذهبی و انقلابی از رسانه‌های جدید مانند نشریات و مطبوعات بهره می‌گرفتند، اثرگذاری ماناتری برکنش‌های اجتماعی داشته و علاوه بر حفظ سرمایه

فرهنگی و اجتماعی منبر، یکه‌تازی جناح‌های وابسته به غرب را می‌کاستند. تقویت قطب ناب منبر ایجاب می‌کند استقلالِ سرمایه اقتصادی داشته، از وابستگی مالی به دربار (میدان دولت و قدرت) پرهیز نموده و از حیف و میل بیت المال، اسراف شخصی و احتکار و مال اندوزی به دور باشند.

امروزه با توجه به وجود تشکل‌های جدید (مانند جامعه اسلامی وعاظ کشور) می‌توان گفت چنان‌چه کنشگران میدان منبر، به نقش واقعی خود واقف شده، ساخت‌های اجتماعی نقش خود را برای تأثیر بر منش اعضای میدان، بروزرسانی و برقرار نموده و به موازات منبر از میدان رسانه‌های مدرن در انتشار پیام منبر مدد بگیرند میدان منبر قادر به اعمال نیرو بر فضای اجتماع و کنش کنشگران حقیقی، نیز حفظ استقلال در کسب سرمایه خود خواهد بود، واپسین کلام آن است گرچه بوردیو سرمایه نمادین منبر را در شهرت و افتخارات دنیایی می‌داند، اما در حقیقت سرمایه معنوی میدانِ منبر با اخلاص، ایثار، اجتهاد، تواضع، مردم-داری، پرهیزگاری، و کسب اخلاق فاضله ارتباط تنگاتنگ و مستقیم دارد تا سخنِ واعظ از جان براید بر جان‌ها نشیند.

کتابنامه

اکبری بیرق، حسن (۱۳۷۹). مبانی فکری مشروطه. تهران: نشر پایا.

الگار، حامد (۱۳۵۵). نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.

الویری، محسن، و نظری مقدم، جواد (۱۳۹۱). نقش ارتباطات سنتی در جنبش‌های سیاسی اجتماعی شیعه، مطالعه موردی جنبش مشروطه ایران. تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی، ۲(۱)، ۱-۲٤.

امام خمینی، روح‌الله (۱۳٦٥). شئون و اختیارات ولی فقیه ترجمه کتاب البیع. مرتضی حاج علی فرد، جعفر کیوانی(مترجمان). تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های قولی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: ثالث.

بوردیو، پیر (۱۳۹۸). جامعه شناس و مورخ. ترجمه انور محمدی. تهران: گل‌آذین.

بوردیو، پی‌یرو نویسندگان (۱۳۸٤). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. خاکباز، افشین، وپویان، حسین (مترجمان). تهران: شیرازه.

پرستش، شهرام (۱۳۸٥). صورت بندی میدان تولید ادبی در ایران معاصر. رساله دکتری جامعه شناسی. دانشگاه تهران.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳٦۱). سفرنامۀ پولاک «ایران و ایرانیان». ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

جعفریان، رسول (۱۳۷۸). بست‌نشینی مشروطه‌خواهان درسفارت انگلیس. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸٥). پی‌یر بوردیو. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

جواهری، مریم (۱۳۸۰). نقش علما در انجمن ها و احزاب دوران مشروطیت. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران: انتشارات امیرکبیر.

حکیمی، محمود (۱۳۷۱). سیری در خاطرات سیاسی رجال ایران. تهران: پیدایش.

خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۸). اسناد سیدجمال الدین اسدآبادی در وزارت خارجه ایران. تهران:وزارت خارجه.

دانشورعلوی، نورالله (۱۳۳٥). تاریخ مشروطه ایران وجنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری. تهران:

کتابخانه دانش.
دولت آبادی، یحیی (۱۳٦۳). حیات یحیی. تهران: فردوسی.
دروویل، گاسپار (۱۳۸۹). سفرنامه دروویل. ترجمه جواد محبی. تهران: نیک‌فرجام.
دیوسالار، مهرداد (۱۳۹۸). کارکرد اجتماعی روحانیت شیعه دردوره قاجار بر اساس سفرنامه‌های اروپائیان. تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱٦(۱).
رواستان، محمدعلی، و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). روحانیت و مشروطه. قم: بوستان کتاب.
رهدار، احمد (۱۳۸۵). نهضت مشروطه از نگاه کتاب ایران بین دو انقلاب. مجله حوزه، شماره ۱۳٤.
رضوانی، هما (۱۳٦۲). لوایح شیخ فضل الله نوری. تهران: تاریخ ایران.
شایان مهر، علیرضا (۱۳۹۸). پی‌یر بوردیو. تهران: اختران.
شریعتی، سارا (۱۳۸۸). تأملی در موانع پنهان آموزش جامعه‌شناسی هنر در ایران. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱(۱)، ۲۱-۷.
شویره، کریستین ین و اولیویه فونتن (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
شیخ رضائی، انسیه، آذری، شهلا (۱۳۷۷). گزارشهای نظمیه از محلات تهران. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
علویان، مرتضی (۱۳۸۳). روحانیت و جامعه پذیری سیاسی. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره).
فتحی، اصغر (۱۳۷۵). منبر، یک رسانه عمومی در اسلام. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
کرمانی (ناظم‌الاسلام)، محمد (۱۳۹٦). تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.
کریمی، علیرضا (۱۳۸۳). انقلاب مشروطه در بوته نقد. قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما.
کسروی، احمد (۱۳۵۵). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
گرنفل، مایکل (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی پیر بوردیو، ترجمه محمد مهدی لبیبی. تهران: نقد افکار.
گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۳). دین و روشنفکران. تهران: نشر اختران،.
گوهرخای، محمدباقر (۱۳۵۵). گوشه‌ای از رویدادهای انقلاب مشروطیت ایران، تهران: مرکز نشر سپهر.
مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجار. تهران: انتشارات زوار.
محمدی، فردین و دیگران (۱۳۹۸). تکوین تکثر تمایز در میدان، عادتواره و سرمایه: صورتبندی نظریه توسعه از دیدگاه بوردیو، توسعه اجتماعی، ۱۳(٤).
محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.

ملک زاده، مهدی (۱۳٦۳). تاریخ مشروطیت ایران. تهران: انتشارات علمی.
موثقی، سید احمد (۱۳۷۸). علل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی سیدجمال الدین اسدابادی. تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
مهرابی، مسعود (۱۳٦۳). تاریخ سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷، تهران: ماهنامه سینمایی فیلم.
ناصرالملک، ابوالقاسم، ایروانی، محمدآقا (۱۳۸۰). دو رساله در باره انقلاب مشروطیت ایران، تهران: مرکز اسناد ملی ایران.
ناظم الدوله (میرزا ملکم خان)، روزنامه قانون، شماره ۱۵، تهران.
یارن شیار (۱۳۹۹). نگاه فرانسوی به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، یادداشتهای روزانه ژرژدوکرو، ترجمه زهرا فلاح شاهرودی. تهران: پل فیروزه.